

عوامل موثر بر کارآمدی سیاست خارجی منطقه ای جمهوری اسلامی ایران در تعاملات دیپلماتیک با دولت سوریه

محمد عسگری نظری زاده<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۲۰

اصغر زارعی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۱

نوذر شفیعی<sup>۳</sup>

چکیده

جمهوری اسلامی از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ هجری شمسی «فوریه سال ۱۹۷۹ میلادی» در ایران، همواره به دلیل حرکت در راستای اهداف اولیه انقلاب، با تنش و درگیری چه در سطح منطقه و چه در سطح بین الملل بوده است. جمهوری عربی سوریه به عنوان مسئله مهمی است که در سال های اخیر در ساختار سیاست خارجی جمهوری اسلامی نقش بسزایی را ایفا می نماید و به دلیل همین اهمیت موجبات رویارویی غیر مستقیم با یک دسته از کشورها شده است. سوریه شاید تنها کشوری است که از زمان پیروزی انقلاب اسلامی نقش حمایتی و تأثیرگذاری عمیق هم راستای گفتمان و تفکرات جمهوری اسلامی در سطح منطقه و فرا منطقه حرکت و رفتار کرده است. این سرزمین با توجه به جغرافیای خود تعیین کننده بسیاری از معادلات در غرب آسیا می باشد. در این راستا پژوهش موجود در پی پاسخ به این سوال است که رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با بحران جمهوری عربی سوریه با توجه به چه مؤلفه ای شکل گرفته است؟ فرضیه مطرح شده به این صورت است که با توجه به اهمیت جمهوری عربی سوریه، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر حفظ وضع موجود استوار می باشد.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، واقع گرایی، واقع گرایی تدافعی، سوریه، جمهوری اسلامی ایران

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری روابط بین الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران m.asgari26@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار روابط بین الملل، استاد مدعو، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Z1365.zarei@gmail.com

<sup>۳</sup> دانشیار گروه روابط بین الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران shafiee2@hotmail.com

سال ۲۰۱۰ میلادی به عنوان آغاز دوران تحولات در غرب آسیا می باشد که موجبات فراهم نمودن تأثیرات شگرف در توازن قوای منطقه ای شد. یکی از این تحولات ایجاد شده در سرزمین سوریه است. دولتی که دارای تمایلات کاملاً همسو با سیاست جمهوری اسلامی می باشد. سوریه به عنوان کشوری قلمداد می شود که بسیاری از تفکرات بین المللی جمهوری اسلامی بر مبنای اتحاد با این کشور برنامه ریزی می شود. به عبارت واضح می توان بیان داشت که تهدید امنیت این کشور به معنای تهدید کامل سیاست نظام جمهوری اسلامی در عرصه بین الملل و به ویژه منطقه غرب آسیا به حساب می آید.

به عبارت دیگر می توان بیان داشت که موضوعات مربوط به جمهوری عربی سوریه که باعث متزلزل نمودن حکومت این کشور گردد به مثابه تهدید امنیت جمهوری اسلامی می باشد. از این رو نویسنده در این نوشتار به دنبال واکاوی، چرایی و دستیابی به درک صحیحی از رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با جمهوری عربی سوریه می باشد. در این نوشتار تلاش بر این مطلب است تا با اتخاذ رویکردی توصیفی-تحلیلی در صدد پاسخگویی به این سؤال باشد که رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با بحران جمهوری عربی سوریه با توجه به چه مؤلفه ای شکل گرفته است؟

فرضیه مطرح شده به این صورت است که با توجه به اهمیت جمهوری عربی سوریه، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر حفظ وضع موجود استوار می باشد.

چارچوب نظری نوشتار حاضر، بر گرفته از الگوی واقع گرایی تدافعی است. از منظر سازماندهی نیز بعد از بیان چارچوب نظری به بیان مختصری در ارتباط با سرزمین سوریه و نحوه حضور داعش پرداخته می شود.

سپس در ارتباط با ساختار سیاست خارجی جمهوری اسلامی به کنکاش می پردازیم. روابط جمهوری اسلامی و جمهوری عربی سوریه از منظر تاریخی در مرحله بعد این نوشتار مورد تجزیه تحلیل قرار می گیرد و سپس به بررسی پیامدهای حمایت جمهوری اسلامی از جمهوری عربی سوریه در سطح منطقه پرداخته می شود و در انتها به نتیجه گیری لازم در این مورد پرداخته می شود.

جوامع امروزی به دلیل وجود مرزهای جغرافیایی از یکدیگر جدا شده اند ولی این مرزبندی ها به معنای عدم ارتباط میان کشورها نمی باشد بلکه از طریق جامعه بین الملل با یکدیگر در ارتباط هستند.

دولت ها برای برقراری روابط فیما بین نیازمند مقوله ای به نام سیاست خارجی می باشند. اما باید اشاره داشت که در رابطه با سیاست خارجی نظریه های گوناگونی بیان شده است.

"واقع گرایی سیاسی مدت مدیدی است که تفکر درباره نظام دولت ها را تحت سلطه دارد و به همین دلیل گاهی علمای روابط بین الملل فرض می کنند که نظریه پردازی درباره نظام دولت ها بنا به تعریف، واقع گرایانه است" (ونت، ۱۳۹۲: ۲۸۲).

"از یک سو سیاست خارجی عبارت است از فعالیتی که کنشگران دولتی از طریق آن عمل می کنند، عکس العمل نشان می دهند و تعامل دارند. سیاست خارجی فعالیتی مرزی تلقی می شود" (ایوانز و نونام، ۱۳۹۱: ۲۷۷).

گروهی معتقد هستند که مفهوم سیاست خارجی برگرفته از موضوعات بارز و فرعی در عرصه سیاست خارجی می باشد. از نگاه این دسته از متفکران مقوله ای به عنوان سیاست خارجی وجود ندارد و هر تصمیم با استناد به بایدها و نبایدهای زمان خود اخذ می گردد.

از نگاه دیگر باید اشاره داشت که "سیاست خارجی براساس محاسبه عقلانی امتیازات و زیان ها اتخاذ می شود و سیاست سازان به عنوان یک نظام یکپارچه عمل می کنند" (ایوانز و نونام، ۱۳۹۱: ۲۷۹).

در مفهومی دیگر سیاست خارجی برگرفته از یک استراتژی<sup>۱</sup> از پیش طرح ریزی شده که به وسیله تصمیم گیرندگان حکومتی به منظور دستیابی به اهدافی معین، در چارچوب منافع ملی<sup>۲</sup> و در سطح بین المللی می

<sup>۱</sup> Straegy

<sup>۲</sup> National Interests

باشد. البته تبعیت افراد در رابطه با دولت مسئله مهمی است که در راستای وحدت عمل کرده و باعث آسان شدن اجرا و اعمال سیاست برای دولت‌ها می‌شود. مسئله دیگری که باید به آن اشاره داشت اینکه در سیاست خارجی، قوانین که همان قوانین بین‌المللی است و این قوانین از پشتوانه محکمی برخوردار نیست. در سیاست خارجی، "بر عوامل متعددی چون سنت‌های تاریخی، موقعیت جغرافیایی، منافع، هدف‌ها و نیازهای امنیتی دولت‌ها تأکید می‌شود" (قوام، ۱۳۹۱: ۱۱۷).

#### واقع‌گرایی

"رنالیسم از لحاظ واژه‌شناسی از کلمه رئال (real) برگرفته شده است و آن نیز از ریشه realist می‌باشد که خود آن نیز از کلمه لاتین res (ریس) آمده است. ریس به معنای شیء یا چیز واقعی می‌باشد. این ریشه نیز از ریشه زبان هند و اروپایی (Rei) به معنی تعلق یافتن چیز و شیء به یک شخص می‌باشد. این کلمه از لحاظ معنایی دارای مفاهیم زیادی می‌باشد. به عنوان نمونه هرگونه گرایش به حقیقت یا پراگماتیسم را رئالیسم گویند" (عسگرخانی، ۸۳: ۳۶).

"واقع‌گرایی یک نظریه فراگیر و کلان<sup>۳</sup> روابط بین‌الملل است که در صدد تبیین کلی سیاست بین‌الملل و پدیده‌های گوناگون بین‌المللی بر اساس ویژگی‌های ثلثت انسان‌ها و کشورها می‌باشد" (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۲۸-۲۷).

در نگاه این دسته از نظریه پردازان نگرش‌های خردگرا و تشریح‌کننده وضع موجود وجود دارد و اهمیت قابل توجهی به پیش‌بینی داده نمی‌شود. قدرت، مقوله‌ای است که محور اصلی سیاست در این حوزه می‌باشد و تلاش به منظور کسب قدرت برترین هدف می‌باشد.

"اگرچه تعاریف واقع‌گرایی، در جزئیات متفاوت اند، اما یک تشابه خانوادگی روشن یا «یک چاشنی نمایان و متمایز» دارند" (برچیل، لینکلتر و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۷).

باید اشاره داشت که "واقع گرایان بر محدودیت هایی که خودخواهی («خودپرستی») انسان بر سیاست تحمیل می کند و فقدان حکومت بین المللی («آنارشی») که مستلزم «برتری قدرت و امنیت در کل زندگی سیاسی» است تأکید دارند" (برچیل، لینکلتر و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۸-۴۷).

"واقع گرایی، همچنین فرض می کند که دولت - ملت ها یا کشورها بازیگران اولیه روابط بین الملل هستند که هسته مرکزی نظام بین الملل را تشکیل می دهند. در نتیجه، این رویکرد نظری، روابط بین کشورهای دارای حاکمیت و تعاملات سیاسی را که مبتنی بر اصول قدرت و منافع ملی است مورد توجه و بررسی قرار می دهد" (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۲۹).

از نگاه واقع گرایان، دنیای بین الملل دنیای جنگیدن می باشد که برگرفته از نگاه بدبینانه ای است که به ذات بشر دارند و به طریقی دیگر می توان افزود که در این دنیا، دولت ها به دنبال منفعت و سود خود می باشند و اخلاقیات معنایی ندارد.

"زیرا در یک نظام بین الملل غیر متمرکز متشکل از کشورهای خود پرست و منفعت طلب، تعهد و وظیفه اصلی حکومت و دولتمردان تأمین منافع جامعه ملی و دولتی است که نمایندگی آن را به عهده دارند نه رعایت موازین اخلاقی که بر فرد افراد اعضای جامعه حاکم است" (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۲۹-۳۰).

رهیافت واقع گرایی جزو آن دسته از نگرش هایی است که امنیت به عنوان اصلی مهم و اساسی می باشد. دولت ها در این تفکر در پی دفاع از منطقه تحت نفوذ خود می باشند و تلاش در جهت بقا از نکات مهم در این ساختار می باشد. "رنالیست ها ضمن تأکید بر موضوع امنیت معتقدند که چنانچه دولتی نتواند امنیت خود را حفظ کند به انجام دادن هیچ کاری قادر نخواهد بود" (قوام، ۱۳۹۱: ۲۹۹-۲۹۸). مبحثی که چنین ایده ای را مهم جلوه می دهد تهدیدات پیش روی دولت ها در رابطه با موجودیت است که زمینه را به منظور افزایش قدرت فراهم می آورد. همچنانکه جنگ و نابودی سرزمین ها سر لوحه نگاه واقع گرایی است. عقلانیت و دولت محوری به عنوان مبانی موجود در نگاه واقع گرایی می باشد.

"رنالیست ها ضمن اعتقاد به جبر و اهمیت دادن به تاریخ و تجربه، دیدگاهی محافظه کارانه دارند؛ بنابراین از سیاست حفظ وضع موجود طرف داری می کنند. آنان سیاست بین الملل را صحنه مذاکره، مصالحه و چانه

زنی می‌دانند و دیپلماسی را ساز و کار کلیدی برای ایجاد موازنه میان منافع گوناگون ملی تلقی می‌نمایند" (قوام، ۱۳۹۱: ۲۹۹).

از منظر متفکران واقع‌گرا، همواره احتمال جنگ و رقابت بی‌رحمانه در صحنه بین‌الملل وجود دارد. در موازنه قدرت همه بازیگران موجود هویت و استقلال وجودی خود را حفظ می‌کنند.

"اگرچه موازنه صرفاً قدرت محور نمی‌باشد، اما ترس از قدرت در یک محیط آنارشیک، هدایت دولت‌ها را در سیستم به سمت موازنه در برابر یکدیگر به دنبال دارد" (احمدیان و زارع، ۱۳۹۰: ۸۴).

به طور کلی باید اشاره داشت که تفکرات واقع‌گرایی بر پنج فرض استوار است:

"فرض اول بر هرج و مرج گونه بودن نظام بین‌الملل تأکید دارد.

فرض دوم اینکه کشورها ذاتاً به اندازه‌ای توانمندی نظامی تهاجمی دارند که قابلیت آسیب رساندن و احتمالاً نابود کردن یکدیگر را به آن‌ها اعطا می‌کند.

فرض سوم اینکه کشورها هرگز نمی‌توانند از مقاصد کشورهای دیگر مطمئن شوند؛ به ویژه هیچ کشوری نمی‌تواند مطمئن باشد که دیگری از توانمندی نظامی خود علیه او استفاده نخواهد کرد.

فرض چهارم این است که اساسی‌ترین انگیزه‌ای که دولت‌ها را به حرکت در می‌آورد انگیزه بقاست؛ کشورها می‌خواهند حاکمیت خود را حفظ نمایند.

پنجمین فرض می‌گوید که کشورها در مورد چگونگی بقا در نظام بین‌المللی، راهبردی فکر می‌کنند" (عبداله خانی، ۱۳۹۲: ۶۳-۶۲).

حال با توجه به اینکه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مسئله‌ای است که در این نوشتار از منظر واقع‌گرایی تدافعی مورد توجه قرار می‌گیرد، به بررسی این تفکر نیز می‌پردازیم.

واقع‌گرایی تدافعی

بنیان واقع گرایی تدافعی با تکیه بر نظریات کنت والتز می باشد. " والتز بی تردید علم گراست و خود را مقید به الزامات روش شناختی علمی می داند؛ از هرگونه قضاوت مورگنتایی درباره عقلانیت سیاست خارجی می پرهیزد و قضاوت تجویزی صریحی ندارد؛ و تحقیق نظری را فعالیتی رها از ارزش و از نظر سیاسی بی طرف می داند" (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۱۱۱).

در این نوع تفکر با توجه به اینکه امنیت مقوله نایابی نمی باشد دولت ها رفتار تهاجمی از خود نشان نمی دهند و تنها زمانی به این نوع از رفتار روی می آورند که امنیت خود را در تهدید ببینند. در این زمان دیگر مخاصمه اجتناب ناپذیر می باشد. واقع گرایان تدافعی اعتقاد دارند که طرز تفکر واقع گرایان تهاجمی موجب عکس العمل دولت هایی می شود که خواستار حفظ موازنه قوا هستند و در این صورت امنیت را کاهش می دهد. در این طرز تفکر جهان تک قطبی به شدت ناپایدار می باشد و دولت های دیگر با استفاده از موازنه قوا در مقابل قدرت هژمون قرار می گیرند.

به هر حال باید گفت که در واقع گرایی تدافعی "حضور دولت ها در خارج از مرزهای ملی فقط در شرایط تصور ناامنی صورت می گیرد" (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

"از نگاه تالیافرو واقع گرایی تدافعی بر چهار مفروضه استوار است:

۱. معضله امنیت<sup>۴</sup>: منظور از معضله امنیت شرایطی است که در آن تلاش یک دولت برای افزایش امنیت خود باعث کاهش امنیت دیگران می شود.

۲. ساختار ظریف قدرت: به نظر واقع گرایان تدافعی تأثیر ساختار ظریف<sup>۵</sup> قدرت که متغیر سطح نظام نیست «و به معنای توزیع نسبی آن دسته از توانمندی های مادی است که دولت ها را قادر می سازد راهبردهای نظامی و دیپلماتیک خاصی را دنبال کنند»، مهمتر از ساختار خام یا زمخت<sup>۶</sup> قدرت «به معنای سهم نسبی از منابع قدرت در دست یک دولت» است.

<sup>۴</sup> security dilemma

<sup>۵</sup> fine-grained

<sup>۶</sup> gross

۳. برداشت های ذهنی رهبران: تأثیر ساختار ظریف قدرت و توانمندی های مادی بر رفتار دولت از طریق تصورات یا برداشت های ذهنی<sup>7</sup> رهبران ملی است. آن ها معمولاً بر مبنای قیاس های تاریخی و میانبرهای دیگر ادراکی اطلاعات واصله را پردازش می کنند و تصمیم می گیرند. بنابراین این عامل یک متغیر میانی بسیار مهم تلقی می شود.

۴. عرصه سیاست داخلی: به نظر واقع گرایان تدافعی، استقلال دولت در برابر جامعه مدنی، ائتلافات سیاسی، عرصه سیاست سازمانی، و روابط میان بخش های لشگری و کشوری جملگی توانایی رهبران را در بسیج منابع تحت تأثیر قرار می دهند. قدرت سیاسی ملی به معنای توانایی بسیج منابع مادی و انسانی دولت بسیار اهمیت پیدا می کند" (مشیرزاده: ۱۳۹۴: ۱۳۴-۱۳۳).

جمهوری عربی سوریه و نحوه حضور داعش

در ابتدای این بخش لازم است تا نقشه جغرافیایی این کشور را ترسیم نمایم تا اهمیت جایگاه این سرزمین از نگاه جغرافیایی بیان گردد.

سوریه سرزمینی است که در غرب آسیا و در کنار سواحل شرقی دریای مدیترانه خودنمایی می کند.

این سرزمین از سمت شمال با ترکیه، از سمت شرق و جنوب شرقی با کشور عراق هم مرز می باشد.

غرب این کشور در کنار لبنان و دریای مدیترانه واقع شده است و جنوب غربی این سرزمین در کنار رژیم اشغالگر صهیونیستی است و در نهایت جنوب و جنوب غربی سوریه با اردن دارای مرز مشترک است.

واضح است که بررسی نقشه جغرافیایی سوریه نشان دهنده اهمیت این سرزمین در معادلات بین المللی می باشد تا جایکه قدرت های تأثیرگذار منطقه ای و بین المللی نمی توانند در سیاست های خود از جایگاه این سرزمین چشم پوشی نمایند.

<sup>7</sup> perceptions.



اما در ارتباط با بحران سوریه و حضور داعش در ابتدا باید اشاره داشت که پشتوانه شکل گیری این گروه کشورهای غربی و در رأس آن ها ایالات متحده آمریکا می باشد. این گروه ابتدا در عراق شکل گرفت و به تدریج و با گذشت زمان حوزه نفوذ خود را گسترش داد و وارد سرزمین سوریه شد.

سال ۲۰۱۱ میلادی سالی است که به عنوان آغاز این تحولات در سوریه می باشد البته به مانند هر اعتراض سراسری دیگر این بحران نیز به صورت محدود و کم تا قبل از سال مذکور وجود داشته است ولی آنچه که به عنوان یک شروع اساسی در رابطه با این بحران می توان قلمداد نمود همان سال ۲۰۱۱ میلادی است. "تداوم تظاهرات در سوریه و بروز درگیری میان نیروهای امنیتی و پلیس با تظاهرکنندگان، گروه های جهادی را بر آن داشت که با انتقال نیروهای خود، جبهه نبردهای منطقه ای را گسترش دهند" (مصطفی، ۱۳۹۶: ۷۰).

این گروه که به دنبال گسترش محدوده قلمرو خود در سوریه، اردن، لبنان، فلسطین اشغالی و بخش هایی از غرب و عراق و صحرای سینا بود به عنوان یک جریان اسلام گرای تندرو وهابی رهبری آغازین اعتراضات در سوریه را در دست گرفت. این مسیر توسط ابوبکر البغدادی در سال ۲۰۱۱ میلادی و با تأسیس جبهه النصره تحت هدایت ابومحمد الجولانی پیگیری شد. "دستاوردهای اولیه النصره و جذب نیروهای فراوان در سوریه، برای دولت اسلامی این فرصت را فراهم ساخت تا طی اطلاعیه ای اتحاد و همبستگی نیروهای النصره را با دولت اسلامی اعلام کند؛ و با تغییر نام تشکیلات دولت اسلامی به دولت اسلامی عراق و شام «داعش»، مرزهای فعالیت گروه های جهادی را از عراق به سوی سوریه گسترش دهد" (مصطفی، ۱۳۹۶: ۷۱). ولی با گذشت زمان به دلیل عدم بیعت الجولانی، البغدادی "با کشاندن شمار زیادی از نیروهای خود به سوریه، طی بیانیه ای در ۸ آوریل ۲۰۱۳، انحلال جبهه النصره و تأسیس دولت اسلامی در عراق و شام را اعلام کرد" (مصطفی، ۱۳۹۶: ۷۲).

به طور کلی باید بیان داشت که داعش "یک گروه مسلح تروریستی است که اندیشه سلفی جهادی دارد و هدف سازماندهندگان نیز بازگرداندن چیزی است که آن را خلافت اسلامی و اجرای شریعت می نامند" (بصیری، آقامحمدی و فلاحی، ۱۳۹۵: ۵۲).

داعش جریانی است که "ریشه در آراء و افکار اهل حدیث، مذهب فقهی حنبلی، ابن تیمیه، ابن القیم جوزیه، عقاید وهابیت، آرای متفکران سلفی متقدم و آموزه های مدرسه های سلفی آل سعود در شبه جزیره دارد. در مقابل، برخی از علمای سلفی نیز عقاید سران و پیروان داعش را انحراف از طریقه سلف و آموزه های مکتب سلفیه می دانند" (مصطفی، ۱۳۹۶: ۸۹).

اما در ارتباط با ریشه یابی استراتژیک این گروه باید اشاره نمود که فرقه گرایی، اختلافات شیعه و سنی، عامل ضد ایرانی به عنوان عناصر مهمی در پیش برد اهداف این گروه به شمار می آمدند.

#### بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

"برپایه دیدگاه ماکیاولی، قدرت «شیر صفت بودن» و حیله «روباہ صفت بودن» دو مفهوم اساسی در هدایت سیاست خارجی است. آزادی ملی یا همان استقلال ارزش سیاسی برتر است. همواره مسئولیت اصلی حاکمان، تلاش برای دفاع و گسترش منافع دولت و تضمین بقای دولت است و این نیازمند قوی شدن است" (جکسون و سورنسون، ۱۳۹۱: ۹۸).

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با توجه به یک سری اصول ثابت و پایدار قرار گرفته است که در صحنه بین الملل به عنوان راهنمایی مؤثر در ارتباط با رفتار و کنش سیاست خارجی می باشد. همچنین نکته مهم در رابطه با سیاست خارجی بیان این مطلب می باشد که بر پایه منافع و ارزش های انقلاب اسلامی از یک طرف و ملی از طرف دیگر می باشد. در این راستا اهداف مشخص و معین تعریف و تعقیب می شود.

اما نکته دیگری که در این قسمت باید بیان داشت بحث واقع گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی می باشد. "واقع گرایی در سیاست خارجی به معنای غفلت یا عدول از آرمان های انقلاب اسلامی و ارزش ها و احکام اسلامی نیست، بلکه متضمن در نظر گرفتن ضرورت ها، شرایط و مقتضیات زمانی - مکانی در نظام بین الملل موجود برای اجرای احکام اولیه شرعی و ادای تکلیف و وظیفه است. زیرا جمهوری اسلامی، قادر نیست همواره و تحت هر شرایطی احکام و اهداف اولیه خود و انقلاب اسلامی را برآورده سازد. پس، در پیگیری و تحقق آن ها باید احکام و عناوین ثانوی همچون ضرورت، قاعده وسیع، تدرج و اصل مصلحت و تراحم «اهم و مهم» و احکام حکومتی را ملحوظ دارد" (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۲۲۰).

"اصول سیاست خارجی دربر گیرنده باورها و اعتقادات جمهوری اسلامی در مورد واقعیت ها، علیت ها یا نسبت های علی و صحت عمل و رفتار در حوزه تعاملات و نظام بین المللی است. با توجه به ماهیت و هویت نظام جمهوری اسلامی، اصول سیاست خارجی آن از دین مبین اسلام و ایدئولوژی اسلامی نشأت می گیرد. بنابراین، این اصول در کتاب، سنت، سیره معصومین «ع» و شیوه حکومتی آنان، به ویژه حکومت نبوی و علوی ریشه دارد" (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۱۳۰).

فصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی به چهار اصل در رابطه با سیاست خارجی پرداخته است، که در ذیل هر چهار اصل بیان می گردد.

اصل یکصد و پنجاه و دوم

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیرمحراب استوار است

اصل یکصد و پنجاه و سوم

هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است.

اصل یکصد و پنجاه و چهارم

جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می کند

اصل یکصد و پنجاه و پنجم

دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد مگر این که بر طبق قوانین ایران خائن و تبهکار شناخته شوند

اما می‌توان بیان داشت که به طور کلی اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، با استناد به اسناد رسمی، بیانات امام خمینی «ره» و عملکرد رفتاری ایران عبارتند از:

"۱. نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری: عزت، ۲. استکبارزدایی، ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی، ۳. حمایت از مستضعفان و محرومان، ۴. حمایت و دفاع از حقوق مسلمانان، ۵. همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح‌طلبی، ۶. عدم مداخله در امور داخلی کشورها و احترام متقابل، ۷. تعهد به قراردادهای، معاهدات و قوانین بین‌المللی" (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۱۳۰).

#### منافع ملی

"منافع ملی در روابط بین‌الملل عموماً به دو معنا استفاده می‌شود: به عنوان یک ابزار تحلیلی که اهداف<sup>8</sup> یا مقاصد<sup>9</sup> سیاست خارجی را تبیین می‌کند و به منزله یک مفهوم فراگیر گفتمان سیاسی<sup>10</sup> که به ویژه برای توجیه ترجیحات سیاسی<sup>11</sup> خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد" (ایوانز و نونام، ۱۳۹۱: ۵۲۱).

جمهوری اسلامی به مانند هر نظام مستقل دیگر در پیگیری سیاست خارجی بحث منافع ملی را در نظر دارد. البته بحث منافع ابعاد وسیعی را در برمی‌گیرد. از منافع دفاعی و امنیتی تا منافع اقتصادی که هر کدام از این منافع به دنبال دست‌یابی به منافع حیاتی و به عبارتی حفظ موجودیت و تمامیت ارضی کشور است.

"منافع ملی جمهوری اسلامی ایران عبارت است از: آماج، آمال و انگیزه‌های اساسی، ارزش‌ها و نیازهای حیاتی ادراکی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک دولت - ملت دارای حاکمیت در ارتباط با سایر بازیگران بین‌المللی که محیط خارجی آن را تشکیل می‌دهند. مهمترین کارکرد و کار ویژه مفهوم منافع

<sup>8</sup> goles

.objectives<sup>9</sup>

.political discourse<sup>10</sup>

.policy preferences<sup>11</sup>

ملی، توصیف و تعیین آماج، اهداف و ارزش های اساسی و بنیادی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین المللی است." (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۱۴۱-۱۴۰).

#### اهداف

در ارتباط با رابطه منافع ملی و اهداف سیاست خارجی باید اشاره داشت که به صورت مترادف و مساوی می باشند و نسبت میان این دو عموم و خصوص مطلق یا عام و خاص است.

"اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به صورت خاص و جزئی تر از منافع ملی در نظر گرفته می شود. به گونه ای که اهداف سیاست خارجی ایران از طریق تعیین ارزش ها و عناصر تشکیل دهنده منافع ملی کشور به دست می آید" (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۱۴۷).

اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دو دسته تقسیم بندی می شود. از یک طرف اهداف ملی و از طرف دیگر اهداف فراملی.

"اهداف ملی معطوف به حفظ و افزایش ارزش هایی است که ضرورت و فوریت دارد و در چارچوب مرزهای ملی و قلمروی سرزمینی ایران تعیین می یابد. اهدا فراملی از ماهیت انقلاب اسلامی و هویت اسلامی نشأت می گیرد و ناظر بر پیگیری و تأمین ارزش هایی در خارج از مرزهای سرزمینی ایران جهت شکل دادن به محیط خارجی و نظم بین المللی است" (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۱۴۷).

روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه

دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه در سیاست خارجی فی ما بین نقش مهمی را برای یکدیگر ایفا نموده اند.

باید بیان داشت که جمهوری عربی سوریه از اولین کشورهایی است که جمهوری اسلامی را در آغاز پایگذاری ارکان قدرت خود به رسمیت شناخت.

دوران جنگ عراق علیه ایران به عنوان نقطه عطف آغاز روابط دو کشور ایران و سوریه می باشد. اختلالات ایدئولوژیک حزب بعث سوری با حزب بعث عراق موجب گردید تا حافظ اسد تمام تلاش خود را در حمایت

از مواضع جمهوری اسلامی در مقابل عراق در این جنگ بکار گیرد. در این دوران از یک طرف کمک های نظامی لازم از سوی سوری ها برای ایرانیان صورت می گرفت و از طرف دیگر سوریه تمام تلاش خود را در جلوگیری از متحد شدن دول عربی با عراق علیه ایران نمود تا جنگ را از یک جنگ تمام عربی خارج نماید.

نکته مهم دیگر اینکه در دوران جنگ عراق علیه ایران، جمهوری اسلامی توانست تا دو سکوی عظیم نفتی عراق به نام های العمیه و البکر را منهدم نماید و با این روش عملاً صدور نفت عراق از طریق دریا قطع گردد. در ادامه، جمهوری عربی سوریه نیز خط لوله اصلی نفت عراق به مدیترانه را مسدود نمود تا به این صورت کاهش شدیدی در میزان درآمد نفت عراق صورت گیرد که نشان دهنده نمونه ای دیگر از حمایت های حافظ اسد از جمهوری اسلامی می باشد.

"در عرصه سیاسی حافظ اسد، با تماس با پادشاهان عربستان و اردن کوشید تا آن ها را قانع کند که برای توقف جنگ بر صدام فشار آورند و طی سفر رسمی که بلافاصله پس از آغاز جنگ به شوری داشت، با صدور اعلامیه مشترکی با برژنف از حق محروم نشدنی ایران دربار سرنوشت مستقل و به دور از هرگونه نفوذ خارجی حمایت کرد" (درویشی سه تلانی، ۱۳۹۶: ۱۳۲)

از طرف دیگر باید بیان داشت که "ایران فراتر از ارتباطات نزدیک با سوریه به عنوان یکی از اعضای جبهه پایداری عرب، به حمایت همه جانبه از سوریه در رویارویی با اسرائیل پرداخت. از این رو، جمهوری اسلامی ایران درصدد تشکیل جبهه متحد اسلامی با شرکت ایران و سوریه و سایر کشورهای پیشروی اسلامی برآمد" (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۳۶۱-۳۶۰).

اما سال ۱۹۸۲ میلادی به عنوان سالی می باشد که به دلیل حملات رژیم صهیونیستی به لبنان و حمایت های جمهوری اسلامی از طریق سوریه در مقابل رژیم صهیونیستی نقش به سزایی را در تحکیم روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه داشت.

مسئله ایالات متحده آمریکا، به عنوان یکی از موضوعات مهمی است که در راستای تحکیم روابط دو کشور تأثیر داشته است که نمود آن را می توان در اتفاقات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی و تحکیم روابط ایران و سوریه دانست.

جنگ حزب الله لبنان و رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۶ میلادی از دیگر مواردی می باشد که دمشق به عنوان یک پیروزی برای خود تلقی می کرد زیرا از سال ۱۹۷۳ میلادی برای اولین بار بود که یک نیروی مسلح عرب توانست بر رژیم صهیونیستی غلبه کند و این رژیم را به عقب نشینی وادار کند و در این توفیق حزب الله، قطعاً جمهوری اسلامی نقش بارزی را ایفا نموده است.

بحث دستیابی جمهوری اسلامی به انرژی هسته ای و استفاده صلح آمیز از آن، یکی دیگر از مسائلی است که حمایت های همه جانبه سوری ها را در سطح منطقه و بین الملل داشته است.

و بحث داعش و بحران سوریه به عنوان جدیدترین دلیل برای حمایت یکی از این کشورها از دیگری می باشد.

به طور کلی باید بیان داشت که تاریخچه روابط دو کشور ایران و سوریه بعد از وقوع انقلاب اسلامی در ایران نشان از اتحاد عمیق و استراتژیک این دو کشور دارد که در صحنه های مختلف به یاری یکدیگر اقدام نموده اند.

#### پیامدهای حمایت از سوریه در سطح منطقه

به طور کلی جمهوری اسلامی ایران در تعریف سیاست خارجی خود در ارتباط با نظام فعلی سوریه، به صورت همه جانبه از این کشور حمایت می کند. البته باید اشاره داشت که این حمایت همه جانبه در راستای منافع ملی جمهوری اسلامی در سطح منطقه و بین الملل می باشد.

جدای از بحث های سیاسی و امنیتی که در ادامه به آن پرداخته می شود بحث اقتصادی است که قطعاً حمایت و ارتباط با سوریه منافع اقتصادی خاص خود را برای جمهوری اسلامی به ارمغان می آورد به صورتی که "مبادلات تجاری، احداث کارخانه و نمایندگی های ایران خودرو و سایپا، دو شرکت خودروسازی ایران در سوریه، احداث کارخانه تراکتورسازی و پروژه هایی دیگر؛ از جمله کارخانه سیمان، کارخانه بازیافت، تصفیه خانه های آب، همکاری در بخش بنادر و غیره" (حافظ نیا، کاوندی کاتب، ۱۳۸۹: ۱۸) گویای این حجم از منافع اقتصادی می باشد.

از طرف دیگر قرار گرفتن جمهوری عربی سوریه در نقطه اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا نشان دهنده اهمیت قابل توجه این سرزمین می باشد. بنادر در ساحل مدیترانه می تواند نقش مهمی را در صادرات نفت و گاز جمهوری اسلامی به کشورهای اروپایی داشته باشد.

یکی دیگر از دلایل حمایت از سوریه و امثال کشورها و نیروهای همراه جمهوری اسلامی، بحث دفاع از مرزها خارج از مرز کشور خود می باشد. بحث مهمی که امروزه در سطح بین الملل مورد توجه قرار گرفته است. جایگاه ایالات متحده آمریکا به منظور دفاع از منافع خود وارد خلیج فارس می شود و این حضور را حق قانونی خود قلمداد می نماید. پس قطعاً کشوری به مانند ایران می تواند برای دفاع از مرزهای خود هرگونه تجاوز در منطقه خود را به عنوان تهدید علیه تمامیت ارضی خود دانسته و به همین منظور ورود نماید.

حفظ محور مقاومت مبحث دیگری است که در این قسمت قرار می گیرد. جمهوری عربی سوریه به عنوان تنها متحد استراتژیک دولتی جمهوری اسلامی در سطح منطقه می باشد. همچنانکه پیش از این توضیح داده شد، سوریه سرزمینی است که از منظر جغرافیایی در راستای منافع جمهوری اسلامی قرار گرفته است. ارتباط سرزمینی سوریه با عراق از یک طرف و لبنان و رژیم صهیونیستی از سوی دیگر گویای این موقعیت شاخص می باشد. سوریه به عنوان یکی از پایه های محور مقاومت و هلال شیعی نقش مهمی را در پیش برد اهداف جمهوری اسلامی ایفا می نماید. این کشور به عنوان دروازه ورود جمهوری اسلامی به شرق مدیترانه می باشد که خود گویای تلاش ایالات متحده آمریکا در تضعیف سوریه بشار اسد است.

روابط تهران و دمشق تأثیر به سزایی را در خنثی نمودن قدرت ایالات متحده و رژیم صهیونیستی در منطقه دارا می باشد. این هدف در بحث بحران سوریه و ورود داعش نمایان گردید. اساساً سوریه در دوران حضور داعش صحنه رقابت دو کشور جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا همراه با هم پیمانان خود بود. داعش همچنانکه قبلاً به آن اشاره شد نمود تفکر غرب و ایالات متحده برای از میان بردن محور مقاومت و در رأس آن جمهوری اسلامی بود. وضعیت سوریه بشار اسد به نحوی بود که هرچه بیشتر به ضعیف نمودن سیاست های منطقه ای ایالات متحده و رژیم صهیونیستی می انجامید و از همین رو کشورهای مذکور به دنبال بر هم زدن وضعیت فعلی و تغییر بشار اسد بودند. در طرف مقابل جمهوری اسلامی به دنبال حفظ وضع



موجود و بقای نظام بر گرفته از تفکر بشار اسد در سوریه بود تا از این طریق بتواند محور مقاومت و هلال شیعی را حفظ نماید.

### نتیجه گیری

از نگاه این نوشتار حمایت جمهوری اسلامی به عنوان تنها حکومت شیعی در جهان از نظام بشار اسد به دلایل امنیتی و منافع ملی می باشد و بحث اعتقادات مذهبی در صد ناچیزی را در بر گرفته است.

اعتقاد تهران بر این مطلب استوار است که جمهوری عربی سوریه به عنوان دروازه استراتژیک در ارتباط با جهان عرب از یک سو و ارتباط با حزب الله لبنان و تسلط بر رژیم صهیونیستی از سوی دیگر می باشد، که همه این موارد به معنای جلوگیری از زیاده خواهی های ایالات متحده در سطح منطقه است.

از این رو باید بیان داشت که اتحاد تهران- دمشق اتحاد تدافعی است و به دنبال اهدافی مشخص می باشد. منافع تقریباً مشترک دو نظام موجب شده است تا ایران و سوریه به راحتی در موضوعات مختلف به توافق برسند. به عبارتی واضح تر باید بیان داشت که اهداف استراتژیک نیازمند متحدان استراتژیک می باشد و این وضعیت در اتحاد جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه به شدت نمایان است.

اما از نگاه نوشتار حاضر جمهوری اسلامی برای رسیدن به اهداف خاص خود نیازمند متحدان استراتژیک می باشد و سوریه به عنوان تنها دولت متحد منطقه ای نقش بسزایی را در پیشبرد اهداف سیاستمداران ایران دارا است به گونه ای که در صورت عدم همکاری سوری ها با جمهوری اسلامی خلل بسیار مهمی در سیاست های جمهوری اسلامی ایجاد می شود.

پیشبرد اهداف محور مقاومت از یک طرف و هلال شیعی از سوی دیگر که در راستای سیاست های انقلاب اسلامی می باشد نیازمند حضور سوریه با تفکرات فعلی است. از همین رو است که جمهوری اسلامی ایران به خوبی نقش سوریه را در سیاست های خود دانست و در بحران سوریه ورود نمود و توانست حکومت بشار اسد را حفظ نماید.

جمهوری اسلامی ایران باید بداند که قدرت های استکباری به دنبال از بین بردن انقلاب اسلامی در ایران می باشند و بهترین راه را از میان برداشتن متحدان ایران می دانند. به عبارت بهتر در خطر قرار گرفتن کشورها و نیروهای حافظ منافع جمهوری اسلامی به مانند در خطر قرار گرفتن تمامیت ارضی کشور می باشد و دفاع از آنان به معنای دفاع از سرزمین ایران در خارج از مرزها است که روشی بسیار مؤثر در سطح بین الملل می باشد. از این رو حفظ متحدان باید در اولویت اهداف سیاست خارجی قرار داشته باشد تا اتفاقی به مانند سوریه ایجاد نگردد، که در صورت وقوع، شاید دیگر راه برگشتی وجود نداشته باشد.

### منابع فارسی

۱. ابراهیم نژاد، محمد (۱۳۹۵)، "داعش: بررسی انتقادی تاریخ و افکار"، چاپ ششم، قم: انتشارات دارالاعلام لمدرسه اهل البیت علیهم السلام.
۲. احمدیان، حسن. زارع، محمد (تابستان ۱۳۹۰)، "استراتژی عربستان در برابر خیزش های جهان عرب"، فصلنامه ره نامه سیاستگذاری سیاسی، دفاعی و امنیتی، سال دوم، شماره ۲، صص ۹۷-۷۵.
۳. اخوان کاظمی، مسعود. ویسی، سارا، (تابستان ۱۳۹۱)، "علویان سوریه؛ از شکل گیری تا قدرت یابی"، فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه شناسی، سال دهم، شماره ۳۸، صص ۱۸۶-۱۴۷.
۴. آدمی، علی. کشاورز مقدم، الهام (تابستان ۱۳۹۴). " جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۱۹-۱.
۵. امیدی، علی. آقامحمدی، زهرا (زمستان ۱۳۹۶)، "بحران سوریه براساس نظریه مکعب بحران"، فصلنامه روابط خارجی، سال نهم، شماره چهارم، صص ۱۰۲-۶۳.
۶. ایوانز، گراهام. نونام، جفری. (۱۳۹۱)، "فرهنگ روابط بین الملل"، ترجمه حمیرا مشیر زاده و حسین شریفی، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.

۷. برچیل، اسکات. لینکلتر، آندرو و دیگران. (۱۳۹۲)، "نظریه های روابط بین الملل"، ترجمه سجاد حیدری فرد، چاپ اول، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۸. برزگر، کیهان (بهار ۱۳۸۸)، "سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهجمی و تدافعی"، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۵۳-۱۱۳.
۹. بصیری، محمدعلی؛ آقامحمدی، زهرا؛ فلاحی، احسان (پاییز ۱۳۹۵)، "بسترهای شکل گیری و تداوم تروریسم در غرب آسیا، مطالعه موردی داعش در عراق و سوریه"، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام. سال پنجم، شماره ۱۹، صفحه ۷۱-۵۱.
۱۰. بیلیس، جان. اسمیت، استیو (۱۳۸۳)، "جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین"، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی، چاپ اول، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
۱۱. تودنهورف، یورگن (۱۳۹۵)، "نگاهی به داعش از درون: ۱۰ روز در «دولت اسلامی»"، ترجمه رحمان افشاری، چاپ ششم، تهران: انتشارات مهر اندیش.
۱۲. جانسیز، احمد. اسمعیلی، علی (تابستان ۱۳۹۶)، "علل گسترش روابط استراتژیک ایران با سوریه؛ از حمله امریکا به عراق تا آغاز بحران در سوریه ۲۰۱۱-۲۰۰۳"، فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۱۷۴-۱۵۱.
۱۳. جکسون، رابرت. سورنسون، گئورگ (۱۳۹۱)، "درآمدی بر روابط بین الملل"، ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی زاده و حسین سعید کلاهی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات میزان.
۱۴. حافظ نیا، محمدرضا. کاوندی کاتب، ابوالفضل (پاییز ۱۳۸۹)، "روابط ایران و کشورهای عربی پس از حمله آمریکا به عراق"، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هفدهم، شماره ۳، صص ۲۶-۹.

۱۵. درویشی سه تلانی، فرهاد. فیاضی، حامد (تابستان ۱۳۹۵)، "بررسی سازه انگارانه و نئورئالیستی روابط راهبردی ایران و سوریه (۲۰۱۵-۱۹۷۹)"، فصلنامه علمی- پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۵، صص ۸۶-۶۷.

۱۶. درویشی سه تلانی، فرهاد. فیاضی، حامد (بهار و تابستان ۱۳۹۶)، "کنکاشی در روابط تاریخی ایران و سوریه (۲۰۱۱-۱۹۴۶)"، تاریخ نامه انقلاب، سال اول، دفتر اول، صص ۱۴۳-۱۱۵.

۱۷. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۴)، "سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت.

۱۸. رمضان، روح الله (۱۳۸۰)، "چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، ترجمه: علیرضا طیب، چاپ اول، تهران: انتشارات نی.

۱۹. ساجدی، امیر (اسفند ۱۳۹۲)، "بحران سوریه و دخالت قدرتهای بیگانه"، پژوهشنامه روابط بین الملل، دوره ۶، شماره ۲۴، صص ۱۹۰-۱۵۷.

۲۰. عبدالله خانی، علی (۱۳۹۲)، "نظریه های امنیت"، چاپ دوم، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.

۲۱. عسگرخانی، ابومحمد (اردیبهشت ۱۳۸۳)، "رژیم های بین المللی"، چاپ اول، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.

۲۲. فرجی راد، عبدالرضا. ناجی، ناصر (بهار ۱۳۹۴)، "آینده سیاسی سوریه و منافع استراتژیک ایران"، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، علمی- پژوهشی، سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص ۶۵-۵۱.

۲۳. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، "روابط بین الملل نظریه ها و رویکردها"، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.

۲۴. قوام، عبدالعلی (۱۳۹۱)، "اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل"، چاپ هجدهم، تهران: انتشارات سمت.

۲۵. قوام، عبدالعلی. فاطمی نژاد، سید احمد. شکوهی، سعید (۱۳۹۳)، "نظریه روابط بین الملل «پیشینه و چشم انداز»"، چاپ دوم، تهران: انتشارات قومس.

۲۶. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۴)، "تحول در نظریه های روابط بین الملل"، چاپ دهم، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

۲۷. مصطفی، حسن (۱۳۹۶)، "داعش، زیر ساخت های معرفتی و ساختاری" چاپ نهم، تهران: موسسه فرهنگی و هنری آفتاب خرد.

۲۸. نجات، سید علی (زمستان ۱۳۹۳)، "رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات نوین خاورمیانه"، فصلنامه سیاست (علمی-تخصصی)، سال اول، شماره ۴، صص. ۶۱ - ۷۶

۲۹. نجات، سیدعلی. جعفری ولدانی، اصغر (زمستان ۱۳۹۲)، "بررسی نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه"، فصلنامه پژوهش های سیاسی، سال سوم، شماره ۸، صص. ۴۹-۲۹.

۳۰. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل انتشارات و تبلیغات، "قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران"، چاپ اول، شهریورماه ۱۳۶۸.

۳۱. ونت، الکساندر (۱۳۹۲)، "نظریه اجتماعی سیاست بین الملل"، ترجمه حمیرا مشیرزاده، چاپ سوم، تهران: انتشارات وزارت امورخارجہ-دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

#### منابع لاتین

1. Fulton , Will and Joseph Halliday, winter(2013), "Iranian strategy in Syria", Institute for the study of war.

2. Gellbart , janathan, fall(2010), “The Iran-Syria axis: a critical investigation”, Standford journal of international relation.
- 3.Jervis, Robert (1999), " Realism, Neoliberalism and Cooperation: under Standing the debate", International Security: Summer 24(1): 42-63.
- 4.Walt, Stephen M. (1985) “.Alliance Formation and the balance of world power”, International security, Vol. 9, No. 4.
- 5.Walt, Stephen M. (1988). Testing Theories of Alliance Formation: The Case of Southwest Asia, International Organization, Vol. 42, No. 2.